

دوتا ۲۳۵	در میان گذاشتن برکات ۴۵
T = معلم ۱	S = معلم ۲
يك شاگرد آنچه از يعقوب ۱ - ۵ ياد گرفته است در میان می گذارد .	

(T) به برنامه " دوره شاگردسازی از رادیو " خوش آمدید . با کمک این مجموعه که در مورد در میان گذاشتن برکات رازگهان است یاد خواهید گرفت که شاگرد عیسی مسیح باشید . دو معلم آنچه از رازگهانهای خود یاد گرفته اند در میان خواهند گذاشت . عنوان امروز این است : يك شاگرد آنچه که از يعقوب ۱ - ۵ یاد گرفته است در میان می گذارد .

(S) **نکته ۲ . در میان گذاشتن برکات از يعقوب ۱ - ۵ .**  
هفته گذشته يعقوب ۱ - ۵ را خوانده ، بر آن تعمق کرده و در مورد آن دعا کرده ایم . حالا با استفاده از یادداشتهای رازگهانهایمان حقایق و دروسی که از قسمت مشخص شده یاد گرفته ایم در میان گذاشته و در مورد بعضی سئوالات مهم گفتگو می کنیم .

### در میان گذاشتن برکات از يعقوب فصل ۱ .

(T) می خواهم از يعقوب ۱ : ۱۳ - ۱۵ در باره اراده انسان مطلبی را در میان بگذارم . يعقوب ارتباط بین اراده خدا و اراده انسان را تعلیم می دهد . تضادی بین آیات ۱۳ - ۱۵ از يك طرف و آیه ۱۶ - ۱۸ از طرف دیگر وجود دارد . آیه ۱۴ - ۱۵ می گوید ، " و سوسه یعنی اینکه انسان فریفته و مجذوب افکار و امیال ناپاک خود شود . این افکار و امیال ناپاک او را به انجام کارهای گناه آلود می کشاند و این کارها نیز منجر به مرگ می گردند که همانا مجازات الهی است " این قسمت اراده انسان را شرح می دهد . زمانیکه من به گناه و سوسه می شوم . نخستین واکنش من بیشترین اهمیت را دارد . اراده انسانی من باید تصمیم بگیرد که یا سوسه مقاومت کند و یا تسلیم آن شود . يعقوب از نمونه تولد انسان استفاده می کند . عمل زاد و ولد منجر به لقاح و لقاح منجر به حاملگی و حاملگی منجر به تولد می شود . زمانیکه این فرایند به جریان در میآید ادامه آن تا به آخر اجتناب ناپذیر است . پایان این فرایند از همان ابتدا قطعی است . آنچه کاشته اید درو خواهید کرد .

و سوسه به گناه نیز به همین ترتیب عمل میکند . اگر این را انتخاب کنم که به خواهشهای گناه آلود در زندگیم جایی بدهم پس این به صورت اجتناب ناپذیری منجر به انجام گناه خواهد شد و انجام گناه منجر به نابودی و مرگ در زندگی من می شود . پس از همه مهمتر ، نخستین واکنش من نسبت به سوسه گناه است .

(S) می خواهم از يعقوب ۱ : ۱۶ - ۱۸ در مورد اراده الهی مطلبی را در میان بگذارم . آیه ۱۷ - ۱۸ می گوید ، " از جانب خدا فقط مواهب نیکو و کامل به ما می رسد زیرا او آفریننده همه روشنایی هاست و خدایی است تغییر ناپذیر . او چنین اراده فرمود که ما را به وسیله پیام انجیل زندگی تازه ببخشد ... " این قسمت وفور الهی ، ذات تغییر ناپذیر و اراده سخاوتمندانه خدا را نشان می دهد . منبع هر عطای نیکویی خدای کتاب مقدس است . او منشاء هر چیز نیکوی زندگی من است و در نتیجه منشاء نجات من نیز هست . درست همانطور که خدا نور آسمانی را با کلام خود به هستی فرا می خواند ، " روشنایی بشود " و قطعاً من را نیز با گفتن این جمله " حیات بشود " به حیات ابدی دعوت می کند . اما در حالیکه نور آسمانی در معرض تغییر است ، خالق جهان هرگز واقعیت یا شدت نیکویی خود را تغییر نمی دهد . او هرگز نقشه ابدی و اراده اش را تغییر نمی دهد . همانطور که افسسیان ۱ : ۱۱ میگوید ، " زیرا نقشه عالی خدا از همان ابتدا این بود که ما را برگزیند تا از آن او گردیم و چنانکه ملاحظه می کنیم او این نقشه را تحقق بخشیده است . " زمانیکه خدای کتاب مقدس مرا به نجات دعوت میکند او واقعا مرا به نجات خوانده است چون من را انتخاب کرده تا از طریق کلام راستی تولد بیابم . يعقوب دقیقاً مانند عیسی مسیح در یوحنا ۳ : ۳ - ۸ به تولد تازه اشاره می کند . عیسی تعلیم داد ، " درست همانگونه که صدای باد را می شنوی ولی نمی توانی بگویی از کجا می آید و به کجا می رود در مورد تولد تازه نیز انسان نمی تواند پی ببرد که روح خدا آن را چگونه عطا می کند . " روح القدس از جانب خدای پدر در آسمان به ماموریتی فرستاده می شود ، به سوی کسانی که خدای پدر اراده کرده است تا به آنان از بالا تولدی تازه ببخشد . همینگونه کلام راستی که توسط خدای پدر در آسمان گفته شده بعنوان وسیله ای است که او توسط آن برای این افراد تولد تازه را به ارمغان میآورد . خدای کتاب مقدس کلام قدرتمند انجیل را به دو شکل بازگو می کند . او کلامش را در درون روح مرده من بیان می کند ( افسسیان ۲ : ۱ ) و از آن طریق به من روحی تازه و حیاتی تازه می بخشد ( دوم قرنتیان ۵ : ۱۷ ) و او کلامش را در خارج از وجود من ، از طریق موعظه انجیل بیان می کند . کار او در درون من واکنشی است به کار او در خارج از وجود من . چون خدای کتاب مقدس با روح القدس در من عمل می کند ، قلب من می تواند پاسخ بدهد و پاسخی شخصی و از روی ایمان می دهد . من تولد تازه می یابم چون خدا این انتخاب را کرده که من تولد تازه بیابم . من از طریق کار روح القدس و کلام مکتوب خدا در کتاب مقدس تولد تازه می یابم . این حقیقت که خدا مرا برگزیده انتخاب او را از جانب من ممکن و حقیقی می سازد . اراده خدا برای احیای روح مرده من اول اتفاق می افتد و بعد از اینکه او روح انسانی من را از نو متولد ساخت اراده انسانی من زنده می شود . زمانیکه من تولد تازه بیابم نه تنها می توانم فقط این را انتخاب کنم که اراده خدا را انجام بدهم بلکه اراده او را نیز انجام خواهم داد ( فیلمون ۲ : ۱۲ - ۱۳ ) . يعقوب ۱ بوضوح ارتباط بین اراده مقتدر خدا و اراده شخصی من را تعلیم می دهد .

## در میان گذاشتن برکات از یعقوب فصل ۲ .

(T) می خواهیم از یعقوب ۲ : ۱۲ - ۱۳ در باره شریعتی که آزادی می بخشد مطالبی را در میان بگذاریم .  
اول . اغلب موارد آزادی به معنی آزادی از تمام قوانین به شمار می آید . جوانان در سرتاسر تاریخ در جستجوی آزادی بوده اند . آنها به نسل خودشان نگاه می کنند و خود را محصور از انبوهی از قوانین موروثی و سنتها می بینند و آنها را محدودیتهای واقعی و اسارت می دانند و آنها را به گوشه ای می اندازند . آنها می گویند که می خواهند خودشان باشند آزاد از محدودیتهای دست و پاگیر انسانهای پیشین و روزهای نخستین . پس نسلی از تجربیات رشد می کند که سعی می کنند شیوه زندگی ای را پیدا کنند که آنها را قادر بسازد که خودشان باشند و یا آزاد باشند و مطابق آنچه خود آن را آزادی می نامند ، زندگی کنند . اما حقایق عملی نشان می دهد که خودمان بودن اغلب منجر به اسارتی جدید می شود . برای مثال ، به نتایج هلاک کننده آزادی جنسی ، استفاده از مواد مخدر و خشونت تروریسم توجه کنید .

(S) دوم . آزادی حقیقی ، تسلیم عیسی مسیح شدن است . آزاد بودن حقیقی به چه معنی است ؟ بعد از سقوط انسان در گناه ، انسان تباه گردید . گناه با شکلهای بسیارش مبدل به عاملی زورگو شد و زندگی انسان را خراب کرد . انسان بدون خدا ، اسیر انواع گناه و کاملاً گمشده است . ذات حقیقی انسان بدون خدا ، ذاتی سقوط کرده ، ذاتی تباه شده و ذاتی اسیر است . انسان آزاد از خدا ، اسیر گناه است . انسان بدون خدا ، گمشده است . اما عیسی آمد تا انسان را بجوید و کسانی را نجات بدهد که قبول می کنند که گمشده هستند ( لوقا ۵ : ۳۲ ) . شخصی که عیسی مسیح را می پذیرد ، ذاتی جدید دریافت می کند و کاملاً از خودکامگی آزاد می شود .

(T) سوم . اطلاعت از شریعت ، زندگی واقعا آزاد را نشان می دهد . یعقوب ۲ : ۱۲ - ۱۳ می گوید ، ” خدا شما را روزی داوری خواهد فرمود تا مشخص شود آیا به خواست مسیح عمل کرده اید یا نه . پس مواظب اعمال و افکار خود باشید . زیرا بر کسی که در این دنیا رحم نکرده است رحم نخواهد شد اما اگر نسبت به مردم رحیم بوده باشید آنگاه رحمت الهی بر داوری او چیره خواهد شد . “ شریعت ، قانونی است که آزادی می بخشد . یعقوب تعلیم می دهد که آزادی واقعی وقتی حاصل می شود که بر اساس شریعتی که آزادی می بخشد زندگی کنیم . یعقوب این دو چیز را که اغلب مردم آنها را مخالف هم می دانند کنار هم قرار می دهد یعنی شریعت و آزادی را . شریعت ، ده فرمانی است که در خروج ۲۰ یافت می شود و نه تمام قوانین مذهبی که رهبران و معلمین مذهبی آنها را ساخته اند . در حالیکه شریعت مذاهب غیر مسیحی ، مردم را برده رهبران مذهبی و تعالیشان می کنند . ده فرمان کتاب مقدس ، از آزادی مسیحی حفاظت می کند . ده فرمان فقط بعد از اینکه مردم از اسارت گناه نجات یافته اند حاصل می شود . ده فرمان هرگز وسیله ای برای کسب عدالت در حضور خدای کتاب مقدس نیست بلکه وسیله ای است برای نشان دادن آزادی حقیقی . شما نخست توسط فیض خدا و از راه ایمان به عیسی مسیح نجات می یابید در نتیجه عادل شمرده می شوید از طریق ایمان به کار کامل نجاتبخش عیسی مسیح بدست می آورید و سپس این حیات جدید را با اطاعت از ده فرمان نشان می دهید . پس آزادی حقیقی هرگز به معنی آزادی از شریعت نیست . آزادی حقیقی بستگی به کشف این دارد که چگونه می توانیم زندگی و ماهیت واقعی در عیسی مسیح را ابراز کنیم .

(S) چهارم . شریعت ، مکاشفه ای است از اینکه خدا شبیه چیست و او می خواهد ما چگونه زندگی کنیم . شریعت ف ماهیت واقعی خدا را با واژه های فرامین شرح می دهد . فرمان می گوید ، ” قتل مکن ، زنا مکن ، نزدی مکن ، بر همسایه خود شهادت دروغ مده . “ و ماهیت حقیقی خدا این است که او خدایی زنده ابدی ، قدوس و پاک ، عادل و درستکار ، راستگو و امانتدار به کلامش است . زمانیکه از شریعت یعنی از ده فرمان اطاعت می کنیم به آنگونه که خدا هست رفتار می کنیم . در راستی رفتار می کنیم چون خدای کتاب مقدس از طریق عیسی مسیح راستی است . ما در محبت و رحمت رفتار می کنیم چون خدای کتاب مقدس محبت و پر از رحمت است . زمانیکه از ده فرمان اطاعت می کنیم واقعا شباهت به خدای کتاب مقدس را نشان می دهیم . مردم آن چیزی را نشان می دهند که واقعا به آن ایمان دارند . کسانی که نفرت می ورزند و خشونت نشان می دهند به خدایی ایمان دارند که پر است از نفرت و خشونت . آن خدا ، خدای کتاب مقدس نیست . کسانی که به خدای کتاب مقدس ایمان دارند محبت و رحمت نشان می دهند و هرگز نفرت و خشونت ابراز نمی کنند . فقط کسانی که شبیه خدای کتاب مقدسند واقعا آزاد هستند . پس شریعت آنطور که در ده فرمان است آزادی واقعی در زندگی را شرح می دهد .

(T) پنجم . شریعت ، وسیله خدا برای آزادی شخصی واقعی است . در حزقیال ۲۶ : ۲۹ خدا می گوید ، ” و دل تازه به شما خواهم داد و روح تازه در اندرون شما خواهم نهاد و دل سنگی را از جسد شما دور کرده ، دل گوشتین به شما خواهم داد . “ واقعیت عهد جدیدی که خدا به مسیحیان می دهد قلبی جدید است که با ضروریات شریعت همخوانی دارد . یعقوب ۱ : ۱۸ همین را می گوید یعنی اینکه خدا از طریق کلام راستی که بیان می کند برای ما تولدی تازه به ارمغان آورده است . کلام راستی خدا با تمام جنبه هایش در طبیعت تازه ما زیست می کند و منتظر می ماند تا با فرامین شریعتش به عمل آورده شود . مسیحیان دعوت دارند تا

اطاعت کنند . چون شریعت خدا با آرزوها و واقعیت قلب جدید ما همخوانی دارد مسیحیان می توانند از شریعت اطاعت کنند . اعمال ۵ : ۳۲ تعلیم می دهد که عمل دقیق اطاعت ، کلید دریافت قدرت تبدیل کننده خدا یعنی روح القدس است .

(S) ششم . شریعت همچنین وسیله حکومت خدا است . یعقوب ۲ : ۸ می گوید ، ” چقدر خوب می شد همواره این حکم خداوند ما را اطاعت می کردید . “ و این خواسته عیسی از ده فرمان است یعنی خدا را با تمام قلب ، جان ، فکر و قدرت و همسایه خود را به اندازه جان خویش محبت کنیم . این قانونی ملکوتی است چون توسط شاه شاهان ارائه شده و چون طراحی شده تا زندگی مسیحیان را در ملکوت اداره کند .

### در میان گذاشتن برکات از یعقوب فصل ۳ .

(T) در یعقوب ۳ : ۱۳ - ۱۸ ، یعقوب حکمت دنیوی را در مقابل حکمت الهی قرار می دهد . یعقوب ۳ : ۱۳ - ۱۸ می گوید ، ” کیست که در میان شما حکیم و عالم باشد ؟ پس اعمال خود را از سیرت نیکو به تواضع حکمت ظاهر بسازد . لکن اگر در دل خود حسد تلخ و تعصب دارید فخر بکنید و به ضد حق دروغ مگویید . این حکمت از بالا نازل نمی شود بلکه دنیوی و نفسانی و شیطانی است زیرا هر جایی که حسد و تعصب است در آنچه فتنه و هر امر زشت موجود می باشد . لکن آن حکمت که از بالا است ، اول ظاهر می شود و بعد صلح آمیز و ملایم و نصیحت پذیر و پر از رحمت و میوه های نیکو و بی تردد و بی ریا . و میوه عدالت در سلامتی کاشته می شود برای آنانی که سلامتی را به عمل می آورند . “

می خواهم از یعقوب ۳ : ۱۳ - ۱۶ بخصوص در ارتباط با یاد گرفتن حکمت در روابط انسانی مطلبی را در میان بگذارم . کتاب مقدس تعلیم می دهد که دو نوع حکمت وجود دارد : حکمت زمینی باعث تمام اختلافات و بیهودگی های گناه است اما حکمت خدا در انسان عدالت را به ارمان می آورد . حکمت ، در رفتار خوب نمایان می شود . یعقوب به ما می گوید که در هر کاری که انجام می دهیم چه نوع انسانی باید باشیم . هر کاری می کنیم باید فروتن و بردبار باشیم . بردباری یعنی فروتنی ای که شدت خشونت و انفجار خشم را مطیع می سازد . به معنی این است که نسبت به خدا و تمام مردم در تمام شرایط ملاحظه می کند . نوعی حکمت است که به حسادت ، جاه طلبی و بی نظمی خاتمه می دهد ( ۱۶ ) . پس بسیار واضح است که حکمت ، فقط قابل ابراز در حین روابط است . برای مثال وقتی شخصی هست که نسبت به محبت و موفقیت های دیگران حسود است می توانم یاد بگیرم که بخشنده و رحیم باشم . از شخصی که خود خواه و جاه طلب و باعث تفرقه می شود می توانم یاد بگیرم که صلح کننده باشم . از شخصی که مستبد و زورگو هست می توانم یاد بگیرم که انعطاف پذیر و مهربان باشم تا اینکه روی حق خود بایستم . در تمام روابط انسانی حکمت مورد نیاز است . حکمت فقط در روابط انسانی قابل یادگیری است .

(S) می خواهم از یعقوب ۳ : ۱۷ در مورد ویژگی های حکمت مطلبی را در میان بگذارم . یعقوب می نویسد که حکمت خدا ، مابین مردم روابط ایجاد می کند . حکمت ، پاک است یعنی از آسیب زدن به مردم از طریق حسادت و خودخواهی خود را پاک نگه می دارد . حکمت ، صلح جو است یعنی از درگیری با دیگران خود داری می کند و با مخالف خود در صلح است . حکمت ، ملاحظه کار است یعنی در هر جایی که تسلیم شدن امکان دارد تسلیم می شود به جای اینکه بر حق خود بایستد . به معنی مهربان بودن است اما نه با تحمیل قوانین شریعت . حکمت ، مطیع است اما نه اینکه الزاما به آسانی راضی و متقاعد شود بلکه به این معنی که مشتاق است تسلیم شود در صورتیکه متقاعد شود که باید فکرش را عوض کند . حکمت ، سرشار است از رحمت یعنی نسبت به احتیاجات دیگران و نیاز آنها هشیار است . مشتاق است که اشتباهات طرف مخالف را ببخشد و سریع او را به رفاقت بپذیرد . حکمت ، پر است از میوه های نیکو یعنی همیشه نسبت به نتایج نیکو متعهد است مثل بنا کردن دیگران به جای اینکه آنها را بکوبد . حکمت ، بی طرف است یعنی از جانبداری ثروتمندان ، قدرتمندان یا افراد مشهور اجتناب می کند . یعنی آنچه در نظر خدا درست است در مقابل دیگران انجام می دهد . حکمت ، صادق است یعنی برای حفظ ظاهر ریاکاری نمیکنند که شخصی دیگر است .

### در میان گذاشتن برکات از یعقوب فصل ۴ .

(T) در فصل ۴ ، یعقوب در مورد جنبه هایی تعلیم می دهد که در زندگی مسیحی در معرض خطر است . در یعقوب ۴ : ۱ - ۱۰ او خواهش های گناه آلود درونی را محکوم می کند . او تعلیم می دهد که مسیحیان باید کاملا زندگیشان را اصلاح کنند : آنها باید قلبشان را پاک بسازند ، اعمالشان را تغییر دهند . مطیع خدا باشند و با شیطان مقاومت کنند . در یعقوب ۴ : ۱۱ - ۱۲ افتراء و گناه صحبت کردن متکبران در مورد دیگران را محکوم می کند . در یعقوب ۴ : ۱۳ - ۱۷ فخر کردن را محکوم می کند و در یعقوب ۵ : ۱ - ۶ او خطر دیگری یعنی حرص را در زندگی مسیحی محکوم می کند .

می خواهم به خصوص از یعقوب ۴ : ۱۳ - ۱۷ در باره گناه فخر کردن مطلبی را در میان بگذارم . با درک اشتباه از خودم ، می توانم مرتکب گناه فخر کردن شوم . فخر کردن یعنی صحبت کردن با تکبر در مورد خودم . فخر کردن ، نقض فروتنی است . من شخصی فخر کننده ام وقتی به برنامه های آینده ام فخر می کنم . اغلب می گویم ، ” امروز یا فردا به این یا آن شهر می روم ، یکسال در آنجا می مانم . تجارت می کنم و پول بدست می آورم . “ من به خودم مطمئنم که زمانه به نفع من است و برای

نقشه خود وقت کافی در اختیار دارم . نقشه هایم را طوری می کشم که انگار استعداد شخصی من برای تجارت و انگیزه منفعت طلبی من تنها مسائلی است که به حساب آورده می شود . من زندگی ، انتخاب و توانایی هایم را تضمین می کنم و فراموش می کنم که خدا به من هشدار می دهد که زندگی من سست تر از يك شاخه گل است ( ۱ : ۱۱ ) و کوتاهتر است از مه صبحگاهی ( ۴ : ۱۴ ) . مسیحیان نباید به ” فردا “ اطمینان کنند و فکر کنند که فردا همیشه مانند امروز می آید . در کتاب مقدس سالها به دور يك دایره نمی چرخند بلکه بر روی خطی مستقیم که از ازل تا ابدیت کشیده شده است حرکت می کند . بر روی این خط زمان ، من روز دیگر را می بینم اما نه به خاطر جبر طبیعت و یا نه به خاطر استحقاق داشتن ، بلکه به دلیل رحمت خدا که سزاوارش نیستم . من باید حالت فروتنی را در ارتباط با زندگی روز مره خود و فعالیت هایم پرورش دهم . من حتی برای يك لحظه نباید ضعف خود و وابستگی کامل خود به خدا را فراموش کنم . من باید بگویم ، ” اگر این اراده خداست پس من این یا آن کار را انجام خواهم داد . “ یعقوب ۴ : ۱۷ هشدار می دهد که اگر فراموش کنم که چقدر وابسته هستم و فقط با اراده خودم عمل کنم گناه مرتکب شده ام .

### در میان گذاشتن برکات از یعقوب فصل ۵ .

(S) می خواهم از یعقوب ۵ : ۱ - ۶ در مورد طمع مطلبی را در میان بگذارم . با درک غلط از چیزهای مادی مثل پول ، من مرتکب گناه طمع شده ام . طمع به معنی با تکبر عمل کردن نسبت به مردم است . مخاطب یعقوب مسیحیانی هستند که مجذوب قدرت و ثروتی شده اند که به آنها اعطاء شده و اینکه از زور گفتن به ایمانداران همانند خودشان دست بکشند ( ۴ : ۱۳ و ۵ : ۱ ) . یعقوب از آنها می خواهد که برای نشان دادن توبه خود ، گریه و زاری کنند . اشاره به روز داوری در این آیات همانند يك تذکر دقیق برای مسیحیان عمل می کند که تا زمانیکه هنوز فرصت هست راههای خود را اصلاح کنند . یعقوب ، تله های مختلف مادی گرایی را نشان می دهد که مسیحیان نباید گرفتار آنها شوند .

در یعقوب ۵ : ۲ - ۳ یعقوب ثروت اندوزی را محکوم می کند . وقتی او می گوید که مسیحیان ثروتمند در این روزهای آخر ثروت می اندوزند به معنی این است که آنها بدون توجه به ساعت الهی زندگی می کنند . آنها ثروت زمینی را طوری ذخیره می کنند که انگار انتظار هیچ چیز را به جز این زندگی و نیازهایشان ندارند . طوری زندگی می کنند که انگار آمدن ثانویه مسیح و روز داوری در کار نخواهد بود . طوری برنامه ریزی می کنند که انگار تا ابد بر روی زمین زندگی خواهند کرد . چرا ثروت اندوختن اشتباه است ؟ اگر من پول و ثروت بیاندوزم پس مطابق لوقا ۱۲ : ۳۳ درست از آن استفاده نکرده ام . اگر من پول و ثروت بیاندوزم پس طبق اول تیموتائوس ۶ : ۱۷ - ۱۹ نیازمندان را در آن سهم نساخته ام آنطور که خدا از من انتظار داشت که انجام بدهم .

در یعقوب ۵ : ۵ ، یعقوب ثروتی را محکوم می کند که برای تجملات و اسراف استفاده می شود . او از ثروتمندانی سخن نمی گوید که ثروت خود را از طریق فساد می اندوزند . او از مسیحیانی حرف می زند که ثروتمندند و بدون انکار خود زندگی می کنند . همانند مرد ثروتمند در لوقا فصل ۱۶ که به نیازهای ایلعازر توجهی نداشت . آنها فراموش کرده اند که اگر توبه نکنند و راههایشان را اصلاح نکنند از عذاب جهنم نیز عذاب خواهند کشید . ایمان آنها ایمانی مرده است ایمانی بدون اعمال . او به این مسیحیان ثروتمند هشدار می دهد که حماقت ثروت اندوزی را ببینند . آنها همانند گله های بی فکر در چراگاههای غنی هستند . روز به روز چاق می شوند بدون اینکه بفهمند که ساعت آمدن قصاب و رفتن به سلاخ خانه نزدیک تر می شود . ثروتی که فقط برای زندگی تجملاتی و عیاشی صرف شود حماقت است . نمی خواهم در نظر خدا ، احمق بلکه می خواهم حکیم باشم . پس در برابر طمع مقاومت می کنم .

### (T) تکلیف برای هفته آینده

اول . اول پطرس ۱ - ۵ را به هفت قسمت تقسیم کنید هر روز با يك قسمت رازگهان داشته باشید . حاصل تعمق تمام رازگهان های خود را در يك دفترچه یادداشت بنویسید . هفته ای یکبار با یکی از دوستانتان یا در يك مشارکت خانگی یا گروه شاگردی شرکت کنید و رازگهان های خود را در میان بگذارید .

دوم . کتابهای دستور عمل ” بروید و کلیسای مسیح را بنا کنید ” را ملاحظه کرده و به آدرس اینترنتی [www.dota.net](http://www.dota.net)

مراجعه کنید . این آدرس را به حروف تکرار میکنم ....

سوم . هر شنبه تا چهارشنبه به برنامه ” دوره شاگردسازی از رادیو ” گوش کنید .